

مقصود از کلمه :

## تصاحب

مذکور در ماده ۲۴۱ قانون کیفر عمومی راجع  
به بزه خیانت در امانت چیست؟

**الف -** با توجه به ماده ۲۴۱ قانون کیفر عمومی یکی از عناصر تشکیل دهنده بزه مزبور تصاحب بر ضرر مالک یا متصرف است تشخیص مصادیق دیگر آن جزء از قبیل عناوین تلف و مفقود و استعمال که در ردیف تصاحب در ماده نامبرده بالا قلمداد شده در خارج بسیار ساده و سهل است ولی تشخیص مصداق خارجی تصاحب که از اراده در وی سرچشمه میگیرد تا حدی مشکل و مبهم و بحث در اطراف آن از لحاظ روشن شدن موضوع خالی از اثر نیست.

مخصوصاً پاره‌ای از اوقات متهمین برای اینکه جرم خود را مشمول مسرور زمان قلمداد کنند به عنوان تصاحب نمسک بسته و آنرا وسیله دفاع و فرار خود از مجازات فرار داده و مجریان قانون را با وسوسه و سوء تفاهم مواجه میسازند تصاحب عبارت است از تملك مال مورد امانت بقصد اضرار مالک این عنوان که بدو از اراده درونی و ذهنی شروع میگردد با اعمال خارج (مبین سوء است) نمودار و محقق میشود بعقیده اهل اصطلاح (مانند تصرف و تملك) در عداد عناوین و معاهیم بشمار میروند مظهر وجودی آن عناوین آثار خارجی آنهاست برخلاف اعیان ثابت که مصادیق آنها وجود خارجی مشهود و محسوس آنها میباشد.

چنانکه کلمات آب و درخت را اعیان ثابت و ولی تملك و تصاحب که بر اثر تصرفات خارجی از قبیل استیفاء منفعت و غیره نمودار میشوند مفاهیم و عناوین مینامند. مثلا انسان (زید) عین ثابت خارجی است - کتاب عین ثابت خارجی است رابطه

مالکیت که مابین زید و کتاب برقرار میشود عنوان و مفهوم است این عنوان وقتی در خارج محقق میشود که تصرفات مالکانه در خارج واقع گردد و اگر تظاهرات عملی در کتاب اعمال نشود این عنوان تحقق خارجی نیافته است. الفاظ و عبارات در صورتی نمودار واقعی آنها در خارج هستند که با عمل توأم باشد.

با این مقدمه تصاحب مذکور در ماده ۲۴۱ وقتی محقق میشود که اقتران با اعمال خارجی یابد و مادام که با اعمال خارجی مقرون نشده عنصر بزه خیانت در امانت محقق نشده است دلیل بر اثبات این امر علاوه از نظریه علماء شیعه و سنی و عقاید علماء حقوق رأی شماره ۴۹۴-۱۸۰۲ شعبه ۲ دیوان عالی کشور مورخه ۱۹/۶/۱۶ (شعبه مرحوم وجدانی) است که عیناً نقل میشود:

«تاریخ مطالبه قبلی مالک و انکار متهم (امین) کاشف از تصاحب مال مورد امانت است و اگر از آن تاریخ تا موقع شکایت رسمی با اداره شهر بانی و یا دادسرا بیش از سه سال گذشته باشد و در این مدت هم اقدامی که موجب قطع مرور زمان بشود بعمل نیامده باشد بزه خیانت در امانت قابل تعقیب کیفری نخواهد بود»

بخوبی مدلل میدارد امتناع از رد نمودار خارجی عمل و مبین قصد امین بوده که در این مورد انکار متهم و امتناع از رد مال مورد امانت بشمار میرود و همان امتناع را مصداق خارجی تصاحب دانسته اند و حتی اگر با وجود مال مورد امانت امین لفظاً مدعی فقدان شود صرف ادعای فقدان که یکی دیگر از عناصر بزه خیانت در امانت است بزه شمرده نمیشود مگر اینکه این ادعا با امتناع از رد که نمودار عملی و نیت امین در تصاحب است توأم باشد یعنی از امین مال مورد امانت مطالبه شود و معلوم گردد حاضر بر رد مال امانت نیست چنانچه آراء شماره ۲۲۲۴ و ۱۸۲ و ۱۹۱۱ که عیناً نقل میشود.

«با اقرار متهم بیودن مال امانت در تصرف او اظهار او بمنفقود نمودن مال امانتی موجب تعقیب کیفری متهم نیست مگر اینکه دلیلی بر تصاحب و تصرف آن مال بدست آید»

مؤید مراتب مزبور است بنا بر این بیان لفظی بر فقدان یا اظهار اینکه مال دیگری را تصاحب کرده ام بدون تظاهر عملی یا ظهور اعمالی که مبین این الفاظ بوده باشد تصاحب

تلقی نمیشود.

اگر تحقق تصاحب در مورد مال قیمی مستلزم نمودار عمل خارجی باشد در مورد اموال مثلی مانند وجوه و نقود که تصرف در آن بدون سوء نیت دلیل خیانت نیست (ولی عقیده فقها در مورد اموال مثلی مانند اموال قیمی است) قطعاً احراز تصاحب در مورد آن دلیل قاطع تر و منجرتری لازم دارد و بیشتر باید تحقق عمل خارجی را املاک قطعی موضوع قرار داد:

مثلاً اگر کسی ده هزار ریال اسکناس دوست ریالی بدیگری بعنوان امانت بدهد و امین در موقع مطالبه مالک بجای اسکناسهای دوست ریالی معادل همان مبلغ اسکناس پنجاه ریالی بمالك رد کند چون اوضاع و احوال نشان میدهد که مالک نظری به عین اسکناس نداشته است (مگر آنکه بدلیل خارجی محرز و مسلم باشد مالک از جهت شماره و نمرات اسکناس نظر خاصی به عین آن داشته است) این مقدار تصرف در مال مورد امانت بزه خیانت تلقی نمی شود زیرا:

تحقق جرم خیانت مستلزم تبدیل حیازت موقت بحیازت دائم است و تصرف در عین بکیفیت مزبور حیازت موقت را بدائم تبدیل نموده و شاید هم از لحاظ فقدان سوء نیت که عنصر دیگر این جرم است (و بعداً در اطراف این عنصر بحث خواهد شد) نتوانیم آنرا خیانت در امانت بدانیم خلاصه در مورد اموال مثلی پاره ای از تصرفات را که توأم با سوء نیت و قصد اضرار نباشد بزه خیانت ندانسته اند تا چه رسد باینکه الفاظ و گفتار و ادعای امین را خواسته باشیم ملاک عنوان تصاحب تلقی کنیم.

چنانکه فقهاء ضمان امین را در مورد مال مورد امانت از تاریخ امتناع از رد یا عجز از رد که يك نوع عمل خارجی بشمار میرود محقق دانسته اند.

حتی اگر امین پس از اخذ مال مورد امانت از گفتار لفظی تجاوز نموده و بکتابت مبادرت و شرحی نوشته و در جیب خود بگذارد مشعر بر اینکه مال مورد امانت را تصاحب نموده ام بدون اقرار بعمل خارجی صرف کتابت بزه خیانت در امانت نیست ولی اگر تصرفات مالکانه در مال مورد امانت نمود و یا با امتناع از رد نیت درونی خود را با عمل توأم ساخت عمل مزبور بزه خیانت در امانت است.

در تأیید این نظریه اگر بعد از گفتار اینکه مال مورد امانت را تصاحب نموده ام

### مقصود از کلمه تصاحب

مالک مال مورد امانت را بوسیله اظهارنامه رسمی مطالبه کرد و امین فوراً مال را بمالك مسترد نمود باستناد گفتمان نامبرده نمیتوان او را بعنوان خیانت در امانت تعقیب کرد زیرا:

اگر با صرف استعمال آن الفاظ جرم واقع شده باشد استرداد مال مورد امانت بمبدأ رافع مسئولیت کیفری او نیست چنانکه اگر مال شخصی ربوده شود بعد از ربودن مال استرداد آن مسروقه رافع مسئولیت کیفری متهم نمیشود بعلاوه اگر اعمال خارجی ملک برای احدی تصاحب قرار داده نشود تشخیص مبداء مرور زمان بسیار مشکل خواهد بود زیرا مالک نمیتواند از نیت درونی امین یا استعمال الفاظ او مستحضر شده و باشکایت کیفری مرور زمان راقطع نماید.

پس علاوه بر اینکه تصاحب و تملك عناوین هستند همیشه عناوین بایستی مظهر خارجی داشته باشند استحضار از درون اشخاص جز با اعمال خارجی آنها ممکن نبوده و نمیتوان نیت را جز با عمل خارجی تشخیص داده و کسی را مستوجب کیفر دانست.

